

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۹۴/۱۲/۱۶

موضوع: مباحثی پیرامون شبهاتی بر ماجرای فدک حضرت زهرا (سلام الله علیها)

برنامه حبل المتین

مجری:

بسم الله الرحمن الرحيم

الهی دیده‌ای حق‌بین عطا کن

دلم را با حقایق آشنا کن

نگیر از من تولای علی را

تولای شهنشاه جلی را

مرا عشق علی در سر نهان است

مدام نام او ورد زبان است

الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولاية مولانا أمير المؤمنين و الأئمة المعصومین.

سلام و درود خدمت شما بینندگان عزیز و ارجمند و دوست داشتنی «شبکه جهانی ولایت» و برنامه زنده «حبل المتین». هرکجای ایران از جمله شمال و جنوب و شرق و غرب و مرکز ایران که هستید و دیده مهربانتان را به برنامه زنده ما هدیه داده‌اید یا عزیزانی که در جای جای این کره خاکی هستید بهترین‌ها را برای شما آرزومند

هستیم و خداوند متعال را شاکر و سپاسگذار هستیم که باز هم به ما عمر و توفیقی داد که بیاییم و در محضرتان باشیم و این برنامه را تقدیم حضورتان کنیم.

ابتدای برنامه بگویم که توفیق داشتیم در سفر عتبات عالیات، کربلای معلی، نجف اشرف و کاظمین و هرجایی که قدم می‌گذاریم و یک فضای نورانی و ملکوتی بود به صورت ویژه به یادتان بودم مخصوصاً در شب جمعه‌ای که شب زیارتی سید و سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) در کربلای معلی و در جوار حرم نورانی و باصفا و ملکوتی سید و سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) دعاگوی تک تک شما بودم.

در همین جا هم از عزیزان بیننده‌ای که ما را در این مسیر می‌دیدند و نسبت به «شبکه جهانی ولایت» لطف داشتند، ممنون و سپاسگذار هستم. آنانی که ابلاغ سلام داشتند نسبت به محضر استاد بزرگوارمان حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی و ان شاء الله حتماً ابلاغ سلام کردیم و خواهیم داشت و خیلی خوشحال هستیم که باز هم خدا این عمر و توفیق را به ما داد که در خدمت شما باشیم.

اگر می‌خواهید با ما ارتباط داشته باشید کار سختی نیست و کار بسیار آسانی است. آقای کیا زحمت کشیدند و راه‌های ارتباطی را برای شما زیرنویس کردند. ۳۰۰۰۱۲۰۳ که در ذهن شریفتان هست سامانه پیام کوتاه ما هست. عزیزانی که در ایران اسلامی هستند به راحتی می‌توانند گوشی تلفن همراهشان را بردارند و با دستان مهربانشان برای ما پیامک بدهند.

واتس آپ و تلگرام «شبکه جهانی ولایت» هم زیرنویس شده است و امکان اینترنتی آن هم وجود دارد و صوت و تصویر و فیلم یا هرچیزی که دلتان می‌خواهد و عشقتان می‌کشد از امیرالمؤمنین برای ما بگویید. نام امیرالمؤمنین، وصف امیرالمؤمنین و گفتن ذکر امیرالمؤمنین یک عشق و ارادت و محبتی می‌خواهد که من مطمئنم در دل‌های شما موج می‌زند.

این راه بسیار آسانی است که شما ارتباطتان را با ما برقرار کنید و ما هم قول می‌دهیم که در طول برنامه حتماً پیام‌های شما را بخوانیم. توفیق داریم در برنامه زنده حبل‌المتین در محضر استاد بزرگوارمان دکتر حسینی قزوینی هستیم. حضرت استاد سلامٌ علیکم و رحمة الله.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلامٌ علیکم و رحمة الله و برکاته. بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز، گرامی و دوست داشتنی که در هرکجای این گیتی پهناور بیننده این برنامه هستند و ما را مهمان کانون گرم و باصفای خانواده خودشان قرار دادند خالصانه‌ترین سلام را تا آرزوی موفقیت بیش از پیش تقدیم می‌کنم.

خدا را قسم می‌دهم به آبروی محمد و آل محمد به ویژه صدیقه طاهره فرج مولای ما بقية الله الأعظم را نزدیک نموده و ما را از یاران خاص آن بزرگوار قرار بدهد، رفع گرفتاری از همه گرفتاران به ویژه شما گرامیان و حوائج ما و شما و همه حاجت‌مندان را برآورده کند، دعا‌های ما و شما را به اجابت برساند ان شاءالله.

مجری:

حضرت استاد شما در برنامه هفته گذشته به ما گفتید که در هر سفر زیارتی که ما در پیش رو داریم به یاد ولایت یاورانی که جیبشان را تقسیم کردند، یک جیب برای خودشان و یک جیب هم برای «شبکه جهانی ولایت» و یاری کردن مولا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) که امروز واقعاً در «شبکه جهانی ولایت» دارد این اتفاق می‌افتد و به توصیه و سفارش حضرتعالی من این اتفاق آنجا برایم افتاد و به یاد همه عزیزان بیننده بودم و هر جا که خلاصه مشرف می‌شدیم یاد فرمایش شما می‌افتادم و دعاگوی دوستان بیننده بودم.

ان شاءالله که عزیزان مثل همیشه یار و یاور «شبکه جهانی ولایت» باشند. اگر عزیزان در ذهن شریفشان باشد ما بحث فدک و موضوع فدک که یکی از مباحثی است که امروز گوشه و کنار توسط وهابیت صهیونیستی داعشی

مطرح می‌شود و شبهاتی حالا در ایام فاطمیه مفصل در خصوص حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و مباحث دیگر صحبت شد.

موضوع فدک را ما سال گذشته مفصل فکر می‌کنم اگر اشتباه نکنم ده برنامه‌ای را ما به آن پرداختیم؛ منتها خیلی از دوستان بیننده توصیه و سفارش و پیامک داشتند که ما این بحث را ادامه بدهیم و مطالبی که گفتیم.

از استاد خواستیم که یک مقدار مختصر و مفیدتر امسال هم در این ایام در برنامه زنده «جبل المتین» به این موضوع پردازیم و بحث فدک یکی از مباحث بسیار مهم است و لازم است که ما حتماً در مورد آن صحبت کنیم.

استاد در برنامه گذشته خدمت دوستان بیننده عرض کردیم یکی از شبهاتی که می‌بینیم در شبکه‌های وهابی صهیونیستی داعشی شیطانی و هر اسمی روی این‌ها بگذاریم کم هست، این شبهه را مطرح می‌کنند که فدک بیت المال بوده است و حضرت زهرا (سلام الله علیها) هیچ حقی در آن نداشته است که البته شما همه این شبهات را به صورت کامل و جامع پاسخ دادید.

من دوست دارم امشب برای اینکه دوستان بیننده ما هم ذهنشان آماده باشد و خلاصه‌ای از هفته گذشته در ذهنشان بیاید تا من سؤالات جدید را مطرح کنم، شما بزرگواری بفرمایید و خلاصه‌ای از بحث گذشته بفرمایید تا من سؤالات جدید را خدمت شما مطرح کنم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلوة علی رسول الله و علی آله آل الله لا سیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله الی یوم لقاء الله افوض امری الی اللهان الله بصیر بالعباد حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر.

همانطوری که حضرتعالی اشاره فرمودید ما در جلسه گذشته بحثی را در رابطه با «فدک» شروع کردیم. ابتدا آیه ۶ سوره حشر را مطرح کردیم:

«وَمَا أَفَاءَ اللَّهِ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أُوجِفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَا لَكِنَّ اللَّهَ يَسْلُطُ رُسُلَهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ»

آنچه را خداوند به رسولش از آن‌ها باز گرداند، چیزی است که شما برای تحصیل آن نه اسبی تاختید، و نه شتری و بدون لشکرکشی به دست می‌آورید مخصوص نبی مکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است.

سوره حشر (۵۹): آیه ۶

این را از منابع متعدد و از کتاب «تاریخ طبری» جلد ۳ صفحه ۱۵، «تاریخ الاسلام» نوشته آقای «ذهبی» جلد ۲ صفحه ۴۲۲، «تفسیر بغوی» جلد ۴ صفحه ۱۹۷، «الحاوی الکبیر» آقای «نیاوردی شافعی» جلد ۱۴ صفحه ۵۵، از «بدایع الصنایع» جناب آقای «کاشانی» از فقهای بزرگ احناف جلد ۷ صفحه ۱۶، از کتاب «أموال» جناب آقای «أبوعبید بن قاسم بن سلام» جلد ۱ صفحه ۱۴، از «معجم البلدان» آقای «یاقوت حموی» جلد ۴ صفحه ۲۷۱، از «ابوالفدا» سنی صاحب کتاب «المختصر فی أخبار البشر» جلد ۱ صفحه ۹۴ نقل کردیم و این‌ها را آوردیم.

سپس بیان کردیم که چرا رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فدک را به حضرت زهرا بخشید و چرا به دیگران نبخشید و بیان کردیم که در اینجا نبی اکرم اولاً تابع وحی است:

«اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ»

سوره انعام (۶): آیه ۱۰۶

سپس نبی مکرم اسلام هم می‌فرماید:

«إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ»

سوره یونس (۱۰): آیه ۱۵

و در سوره‌های نجم آیه ۳ و ۴ و سوره انعام ۱۰۴ همچنین وارد شده است. تسلیم در برابر پیغمبر اکرم نشانه ایمان است:

«إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخَيْرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ»

سوره احزاب (۳۳): آیه ۳۶

و همچنین در سوره نساء آیه ۶۵ هم بیان شده است. کسانی که به پیغمبر اکرم اعتراض می‌کنند که چرا به فلانی اینقدر مال دادی و به فلانی مال کمی دادی یا به فلانی مال ندادی. این‌ها از رفتار منافقین است که در جنگ حنین نبی مکرم اسلام بخشی از غنایم را در اختیار عده‌ای گذاشت و منافقین و سرکرده‌های آنان به پیغمبر اکرم اعتراض کردند.

در «صحیح بخاری» جلد ۵ صفحه ۱۰۴ حدیث شماره ۳۱۵۰ این قضیه را مفصل بحث کردیم و آوردیم که نبی مکرم اموال یهود بنی نضیر که آن هم جزو اموال ویژه نبی مکرم بود و بدون لشکرکشی در اختیار پیغمبر اکرم قرار گرفته بود و این‌ها را در اختیار مهاجرین قرار داد و به انصار به جز دو نفر چیزی نداد.

این مطالب را از «تفسیر قرطبی» و دیگر تفاسیر از جمله «سنن أبی داوود»، «تفسیر ابن کثیر» و غیره نقل کردیم. نکته سومی که نقل کردیم بر این بود که نبی مکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فدک را به صدیقه طاهره بخشیده است. این مطلب را از «مسند أبویعلی» متوفای ۳۰۷ از جلد دوم صفحه ۳۳۴ نقل کردیم که بعد از نزول آیه شریفه:

«وَأْتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ»

سوره اسراء (۱۷): آیه ۲۶

روایت وارد شده است:

«دعا النبی فاطمة و أعطایا فدک»

بحار الانوار - العلامة مجلسی، جلد ۲۹، صفحه ۱۲۲

پیغمبر اکرم فاطمه را خواست و فدک را در اختیار حضرت زهرا (سلام الله علیها) قرارداد. همچنین از «فتوح البلدان» اثر بلاذری جلد ۱ صفحه ۴۴ این را نقل کردیم، از «دز المنثور» اثر «سیوطی» جلد ۵ صفحه ۲۷۳ نقل کردیم، از «فتح الغدیر» اثر «شوکانی» جلد ۳ صفحه ۲۲۴ نقل کردیم. سپس قضیه «أقطاع النبی» را مطرح کردیم.

این‌ها بخشی از بحث‌هایی بود که ما در جلسه گذشته در خدمت بینندگان عزیز و گرامی بودیم که به صحبت آقای «ابن کثیر دمشقی سلفی» رسیدیم؛ حالا من در خدمت شما هستم.

مجری:

بسیار متشکرم. قبل از اینکه سراغ «ابن کثیر» برویم باید سراغ شخصی بزرگ‌تر از او «ابن تیمیه» ناصبی برویم. جناب استاد نظر ایشان در خصوص فدک چیست؟ به هر صورت این هم بحث مهمی است.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در رابطه با فدک «ابن تیمیه» سرکرده نواصب است و نسبت به امیرالمؤمنین هرگونه جسارتی را در «منهاج السنة» دریغ نکرده است و نسبت به صدیقه طاهره در رابطه با همین فدک خیلی اهانت صریحی کرده است:

«بأن فیها شعبة من النفاق»

دراسات فی منهاج السنة لمعرفة ابن تیمیة، مدخل لشرح منهاج الكرامة - السيد علی الحسينی الميلانی، صفحه

۵۷۳

و ان شاء الله در جلسات بعدی همین تعبیر را نقل می‌کنیم. بزرگان اهل سنت تعبیر دارند که این شخص ناصبی است و دشمن اهل بیت است و این چنین جسارتی به صدیقه طاهره (سلام الله علیها) دارند.

در عبارتی آقای «ابن تیمیه» می‌گوید:

«ما ذکر من ادعاء فاطمة فدک فإن هذا يناقض كونه ميراثاً لها، فإن كان طلبها بطريق الإرث امتنع أن يكون بطريق الهبة، وإن كان بطريق الهبة امتنع أن يكون بطريق الإرث»

حضرت زهرا اگر فدک را به عنوان هبه طلب کرده است، معنا ندارد که به عنوان ارث طلب کرده باشد و اگر به عنوان ارث طلب کرده است معنا ندارد که به عنوان هبه طلب کرده باشد.

الأنتصار - العاملی، جلد ۷، صفحه ۳۱۲

این آقا یا فهم روایی ندارد یا مسلط نیست، جاهل است یا خودش را به تجاهل می‌زند که یقیناً به دلیل دشمنی و عناد است. صدیقه طاهره ابتدا آمد و فرمود: پیغمبر اکرم این زمین را به من هبه کرده است. گفتند شاهد بیاورید؛ امیرالمؤمنین شهادت داد و شهادتش رد شد، أم ایمن شهادت داد، غلام پیغمبر شهادت داد، امام حسن و امام حسین شهادت دادند که این‌ها را رد کردند. حضرت زهرا فرمودند: بر فرض هبه نکرده است، ملک پیغمبر هست یا نه؟ گفتند: بله. فرمود: اگر ملک پیغمبر است من این زمین را به ارث می‌برم.

سپس آنان حدیث «لا نورث» را خواندند که صدیقه طاهره به آیات قرآن، ماجرای حضرت یحیی و حضرت سلیمان و حضرت داوود را مطرح کردند که به دنبال آن ابوبکر نامه‌ای را نوشت که فدک ملک پیغمبر اکرم بوده

است و من آن را در اختیار حضرت زهرا قرار دادم. قبل از اینکه از مجلس بیرون برود خلیفه دوم آمد و نامه را گرفت و پاره کرد که ان شاء الله اینها را مفصل بحث خواهیم کرد.

«ابن تیمه» در ادامه می‌گوید:

«أن ادعاء فاطمة ذلك كذب على فاطمة»

اینکه حضرت زهرا آمده فدک را ادعا کرده است این کذب است.

منبع یافت نشد. (۱۶:۴۷)

شما ببینید این همه منابع این همه مصادر هیچ کسی تا قرن هشتم هجری نفهمید که این کذب است اما آقای «ابن تیمه» در قرن هشتم:

«شَیَاطِیْنِ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ یُوْحِی بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ»

سوره أنعام (۶): آیه ۱۱۲

می‌گوید این کذب و دروغ است. اینکه مردی با زنی آمدند و شهادت دادند می‌گوید:

«فسبحان الله ما أعجب هذا»

این چیز عجیبی است تا ایشان می‌گوید:

«ولم یسمع أن فاطمة رضی الله عنها ادعت أن النبی (صلی الله علیه) وسلم أعطاهایاها فی حدیث ثابت متصل

ولا أن شاهدا شهد لها»

و اصلاً کسی شهادت هم نداده است؛ یعنی گویا حضرت علی (علیه السلام) و امام حسن و امام حسین و ام ایمن و رباح اصلاً آدم نیستند.

«ولو كان ذلك لحكى»

شما چشمت را روی حقایق بستی و پرده ضخیم نصب و عداوت را روی ذهنت کشیدی و نمی‌بینی. این همه مصادر در قرن سوم و چهارم تا حالا نقل کردند که حضرت زهرا ادعا کرده است، حضرت امیر و دیگران این‌ها را شهادت داده‌اند. جالب این است که می‌گوید:

«فلم يقل أحد من المسلمين شهدت النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) أعطها فاطمة»

هیچ‌کدام از مسلمانان نیامدند بگویند که ما شهادت می‌دهیم حضرت رسول اکرم فدک را به حضرت زهرا داده است.

یعنی از دیدگاه این فرد امیرالمؤمنین مسلمان نیست، امام حسن و امام حسین مسلمان نیستند، أم ایمن مسلمان نیستند و کسانی که شهادت دادند هیچ‌کدام مسلمان نیستند.

«ولا سمعت فاطمة تدعيها»

کسی هم نگفته است که من شنیدم که حضرت زهرا (سلام الله علیها) این را ادعا کرده است.

منهاج السنة النبوية، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار النشر: مؤسسة قرطبة

- ۱۴۰۶، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم، جلد ۴، صفحه ۲۲۹ - ۲۳۱

ببینید دوستان عزیز این نحوه برخورد این آقا با روایات مربوط به قضیه است که واقعاً ما نمی‌دانیم این را به چه نوعی بخواهیم تعبیر کنیم بر اینکه این‌ها آمدند. من تنها یک اشاره‌ای کنم که این شاهدان حضرت زهرا بر فدک، موافق که می‌گوید:

«و شهد عليه علي و الحسن و الحسين و أم كلثوم»

می‌گویند که شهادت دادند و سپس شروع به توجیه کردن می‌کند. ما آمدیم عصمت حضرت حسنین را از قرآن اثبات کردیم و سپس قضیه حضرت امیر (علیه السلام) را مطرح کردیم که حضرت امیر آمد شهادت داد و یا «أم ایمن» و «رباح» غلام پیغمبر شهادت دادند. «بلاذری» در «فتوح البلدان» می‌گوید:

«و شهد لها علی بن ابی طالب»

علی بن ابی طالب شهادت داد.

«بلاذری» متوفای ۲۷۹ است و «ابن تیمیه» متوفای ۷۲۸ است. ببینید «بلاذری» نزدیک ۵۰۰ سال قبل می‌گوید:

«فسألها شاهدها آخر فشهدت لها أم ایمن»

فتوح البلدان، اسم المؤلف: أحمد بن یحیی بن جابر البلاذری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۰۳، تحقیق: رضوان محمد رضوان، جلد ۱، صفحه ۴۴

همچنین «رباح» غلام پیغمبر هم آمد شهادت داد و از آقای «ابن تیمیه» خیلی عجیب است. همچنین «قدامة بن جعفر» متوفای ۳۳۷ است که می‌گوید: علی بن ابی طالب و أم ایمن شهادت دادند. «حموی» متوفای ۶۲۶ است که ۱۰۰ سال قبل از «ابن تیمیه» بوده است که می‌گوید:

«وشهد لها علی بن ابی طالب رضی الله عنه فسألها شاهدها آخر فشهدت لها أم ایمن»

در این کتاب «معجم البلدان» وارد شده است:

«وهی آلتی قالت فاطمة رضی الله عنها إن رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) نحلنیها»

«ابن تیمیه» می‌گوید تا به حال کسی نشنیده است که حضرت زهرا آمده ادعا کرده این فدک را پیغمبر به من بخشیده است. در صفحه بعد می‌گوید:

«قالت فاطمة رضى الله عنها لأبى بكر رضى الله عنه إن رسول الله (صلى الله عليه و آله وسلم) جعل لى فدك فأعطنى إياها وشهد لها على بن أبى طالب رضى الله عنه فسألها شاهدا آخر فشهدت لها أم أيمن مولاة النبى (صلى الله عليه و آله و سلم) فقال قد علمت يا بنت رسول الله أنه لا يجوز إلا شهادة رجلين أو رجل وامرأتين»

معجم البلدان، اسم المؤلف: ياقوت بن عبد الله الحموى أبو عبد الله، دار النشر: دار الفكر - بيروت، جلد ۴، صفحه

۲۳۸-۲۳۹

ببینید این نهایت عداوت آقای «ابن تیمیه» نسبت به قضیه فدک است که می‌گوید احدی ادعا نکرده است بر اینکه شهادت می‌دهیم رسول اکرم (صلى الله عليه و آله و سلم) این فدک را به او داده است یا حضرت زهرا را کسی ندیده است بر اینکه آمده باشد و ادعا کرده باشد که این فدک حبه شده از طرف نبی مکرم به من است. من در خدمت حضرتعالی هستم.

مجری:

جناب استاد از شما بسیار متشکرم. من خدمت عزیزان بیننده‌ای که الان با «شبکه جهانی ولایت» و برنامه زنده «حبل المتین» همراه شدند یک یادآوری کنم با توجه به اینکه در ایام فاطمیه قرار داریم و گاهی به کوچه پس کوچه‌های شهرهای مختلف نگاه می‌کنیم که حسینیه‌ها و مساجد و منازل همچنان مجالس عزاداری تا شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) برپاست. به همین جهت ما موضوع فدک که سال گذشته مفصل در مورد آن صحبت کردیم، به درخواست شما دوستان بیننده دو سه برنامه‌ای به این موضوع می‌پردازیم تا ان شاءالله ذهن

شما آماده باشد که اگر گوشه و کناری از طریق وهابیت شبهه‌ای مطرح شد شما بتوانید به راحتی از پس این شبهات بربیایید و این سؤالات را پاسخ بدهید.

استاد هفته گذشته یک شبهه‌ای که «ابن کثیر» در خصوص تضعیف آن روایت مطرح کرده بود. من آن بحث را یادداشت کرده بودم اما چون بحث «ابن تیمیه» مطرح شد گفتم اول این را شما بفرمایید و اگر صلاح می‌دانید اول روایت را بفرمایید و سپس بحث تضعیفی که مطرح کرده است را بفرمایید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در رابطه با روایت در همین جا عزیزان دقت کنند این کتاب تفسیر «ابن کثیر دمشقی» است. من تقاضا دارم همه عزیزان مخصوصاً عزیزان اهل سنت خوب دقت کنند که این‌ها عداوتشان با اهل بیت (علیهم السلام) را به چه نحوی ابراز می‌کنند.

ما از منابع متعدد من جمله خود «ابن کثیر دمشقی» نقل کردیم که ایشان در تفسیرشان در سوره اسراء آیه ۲۶ می‌گویند:

«قال الحافظ أبو بكر البزار حدثنا عباد بن يعقوب حدثنا أبو يحيى التيمي حدثنا فضيل بن مرزوق عن عطية عن أبي سعيد الخدري»

که همان عطیه عوفی است

مجری:

این شخص همان عطیه‌ای است که همراه جابر بن عبدالله انصاری بوده است؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله همان است. سپس ایشان می‌گویند:

«قال لما نزلت (وأت ذا القربی حقه)»

این آیه ۲۶ سوره اسراء که نازل شد که پیغمبر حق خویشاوندان و بستگان را بده

«دعا رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) فاطمة فأعطاها فداك»

این اصل روایت است که شاید بیش از ۳۰ نفر از بزرگان اهل سنت از قرن سوم هجری تا قرن هشتم که ابن

تیمیه متوفای ۷۲۸ است و ابن کثیر متوفای ۷۷۴ است. ایشان می‌گویند:

«ثم قال لا نعلم حدث به عن فضيل بن مرزوق إلا أبو يحيى التميمي وحميد بن حماد بن أبي الخوار»

سپس می‌گویند:

«وهذا الحديث مشكل لو صح إسناده»

این روایت سندش هم صحیح باشد این حدیث مشکل دارد. چه مشکلی دارد؟ عزیزان خوب دقت کنند که در

این شبکه‌های وهابیت هم روی این موضوع خیلی مانور می‌دهند. ببینید بالاترین اشکالی که این آقا گرفته است

اولاً «لو صح إسناده» اسناد صحیح را زیر سؤال می‌برند و می‌گویند اگرچه صحیح باشد یعنی قبول ندارند و

اگرچه صحیح باشد مشکل دارد و می‌گویند:

«لأن الآية مكية»

آیه در مکه نازل شده است و در ادامه می‌گویند:

«وفداك إنما فتحت مع خيبر سنة سبع من الهجرة»

تفسیر ابن کثیر، جلد ۳، صفحه ۳۷

فدک جزئی از اموال یهود خیبر است سال هفتم یا سال ششم فتح شده است. چگونه می‌شود یک آیه‌ای در مکه نازل شده باشد و پیغمبر مصداق آن را در مدینه عمل کرده باشد.

عزیزان این دوتا اشکال را خوب داشته باشند. اولاً صحت سند را بررسی می‌کنیم که عمدتاً ابوبکر بزار که از علما و فقهای اهل سنت است و هیچ کسی درباره او اشکالی ندارد. «عباد بن یعقوب» که خیلی هم روی او حرف دارند و جزو کسانی است که مسئله‌دار هست و نسبت به شیخین جساراتی دارد، در «المزی» کتاب «تهذیب الکمال» جلد ۱۴ می‌آورد.

«بخاری» و «ترمذی» و «سنن ابن ماجه» نقل کردند «عباد بن یعقوب رواجی» «قال أبوهاشم شیخ ثقة». «ابویحیی التیمی» را باز «ذهبی» در «تذکره الحفاظ» آورده است در جلد اول صفحه ۳۹۶ باز ایشان از «ابن سعد» در «طبقات» نقل می‌کند و می‌گوید:

«ثقة صالح كثير الحديث»

تذکره الحفاظ، جلد ۱، صفحه ۳۹۶

همه ثقه است، هم صالح است و هم حدیث زیادی نقل کرده است. «فضیل بن مرزوق» هم که در کتاب «معرفة الثقات» در جلد ۲ مفصل آورده است و صراحت دارد بر اینکه جایز الحدیث و ثقه است و می‌گوید:

«فيه تشيع و هو كوفي و في موضع آخر كوفي ثقة»

معرفة الثقات، جلد ۲، صفحه ۲۰۸

مباحثی پیرامون بررسی ثقه بودن عطیه عوفی

پس این هم هیچ اشکالی ندارد. اما آنکه خیلی زیاد در این شبکه‌های وهابیت روی آن مانور دادند «عطیه عوفی» بوده است. عزیزان خوب دقت کنند که این آقایان با تضعیف عطیه خیلی از روایات فضایل امیرالمؤمنین من جمله حدیث «أنا مدينة العلم» و غیره را زیر سؤال می‌برند.

عزیزان دقت کنند که این «تهذیب التهذیب» اثر «ابن حجر عسقلانی» است. ایشان در اینجا در جلد ۷ آورده است:

«عطية بن سعد بن جنادة العوفی الجدلی القیسی الكوفی ... و كان ثقة ان شاء الله»

حالا دیگران شاء الله چی هست باید «ابن حجر» جواب بدهد.

«و له احادیث صالحة»

و حدیث‌های صالح هم دارد

تهذیب التهذیب - ابن حجر، جلد ۷، صفحه ۲۰۱

این از ایشان؛ جناب آقای «ابن شاهین» در «تاریخ ثقات» می‌گوید:

«عطية العوفی لیس به بأس»

تاریخ أسماء الثقات، اسم المؤلف: عمر بن أحمد أبو حفص الواعظ، دار النشر: الدار السلفية - الكويت - ۱۴۰۴ -

۱۹۸۴، الطبعة: الأولى، تحقیق: صبحی السامرائی، ج ۱، ص ۱۷۲

«لیس به بأس» هم به معنای عدم وجود ضعف و مورد اعتماد بودن است؛ «یحیی بن معین» این مطلب را

گفته است. همچنین آقای «مزنی» در کتاب «تهذیب الکیمال» جلد ۲۰ از یحیی بن معین نقل می‌کند و می‌گوید:

این شخص انسان صالحی بوده است.

همچنین ما می‌بینیم در «مسند ابن جعد» با تحقیق «عبد المهدی عبد القادر» جلد اول باز در اینجا از «یحیی بن معین» سؤال می‌کنند:

«کیف حدیث عطیة قال صالح»

مسند ابن الجعد، اسم المؤلف: علی بن الجعد بن عبید أبو الحسن الجوهری البغدادی، دار النشر: مؤسسة نادر - بیروت - ۱۴۱۰ - ۱۹۹۰، الطبعة: الأولى، تحقیق: عامر أحمد حیدر، ص ۳۰۲

«هیثمی» متوفای ۸۰۷ که آقایان به دروغ می‌گویند «هیثمی» آن را تضعیف کرده است در کتاب «مجمع الزوائد» جلد سوم تعبیری دارد که به این شرح است:

«رواه أحمد و فيه عطية بن سعيد و فيه كلام»

بعضی‌ها اشکالی کردند:

«و قد وثق»

منبع یافت نشد (۳۱:۴۵)

به تحقیق توثیق شده است. «ملاً علی قاری» در کتاب «شرح مسند أبی حنیفه» تعبیرشان این است:

«هو من أجلاء التابعين»

از اجلاء تابعین بوده است.

شرح مسند أبی حنیفه، اسم المؤلف: الملا علی القاری، علی بن سلطان محمد (المتوفی: ۱۰۱۴ هـ)، دار النشر، ج

۱، ص ۴۰۶

جالب اینجاست که در «طبقات کبری» آقای «ابن سعد» متوفای ۲۳۰ ایشان در ترجمه آقای «عطیه بن سعد عوفی» که ایشان مطالبی را مطرح می‌کند و می‌گوید: حجاج بن یوسف ثقفی نوشت عطیه را وادار کنید که علی بن ابی طالب را لعنت کند و اگر لعنت نکرد ۴۰۰ ضربه شلاق بزنید، سرش و ریشش را بتراشید؛ در میان عرب توهین‌آورتر از تراشیدن ریش نبوده است. اگر می‌خواستند نهایت ذلت را برای شخصی بیاورند ریش او را می‌تراشیدند و در کوچه‌ها و خیابان‌ها می‌چرخاندند؛ این بدترین اهانت بوده است.

«محمد بن قاسم ثقفی» که حاکم منطقه بود عطیه را خواست:

«فأقرأه كتاب الحجاج»

نامه حجاج را بخوان.

در آن نامه نوشت که شما باید علی (علیه السلام) را لعنت کنید وگرنه سر و ریشت را می‌تراشیم و چهارصد ضربه شلاق به تو می‌زنیم. عطیه گفت من هرگز علی (علیه السلام) را لعنت نمی‌کنم.

«فضربه أربعمائة وحلق رأسه ولحيته»

الطبقات الكبرى، اسم المؤلف: محمد بن سعد بن منيع أبو عبدالله البصري الزهري، دار النشر: دار صادر - بيروت، ج ۶، ص ۳۰۴

شاید عمده کسانی که عطیه را تضعیف کردند سر قضیه «فیه تشیع» است. تمام بحثی که آوردند مطرح کردند سر این است که این شخص حاضر نشده است امیرالمؤمنین (علیه السلام) را لعنت کند.

مجری:

جرم شیعه علی بودن است.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

جرم او شیعه علی بودن نیست و اصلاً معلوم نیست شیعه علی (علیه السلام) باشد. او از روای اهل سنت است و شخصی سنی است، به خلیفه اول و دوم و سوم هم احترام دارد اما جرم او این است که علی (علیه السلام) را لعن نکرده است.

زمانی که عمر بن عبدالعزیز در بالای منبر گفت: شما بعد از این در خطبه‌های نماز جمعه به جای لعن علی (علیه السلام) عبارت دیگری همانند آیه قرآن بخوانید و پس از این دیگر کسی حق ندارد علی (علیه السلام) را لعنت کند.

آنچه آقای «ابن عقیل» در «النصایح الکافیة» دارد، می‌گوید: صدا از سراسر مسجد بلند شد به طوری که فضای مسجد با این صدا بلند شد:

«یا امیرالمؤمنین أمت السنة أمت السنة»

یا امیرالمؤمنین دارید سنت پیغمبر را با این کار نابود می‌کنید.

منبع یافت نشد (۳۵:۱۵)

زمانی که لعن علی (علیه السلام) سنت پیغمبر بشود، به معنای این است که او به سنت پیغمبر عمل نکرده است و حق دارند این شخص را رد کنند. در «نصب الرایه» جناب آقای «زیلعی» هم می‌گوید:

«وعطية العوفی مضعف وقال بن معین فیہ صالح فالحدیث به حسن»

به خاطر عطیه عوفی حدیث صحیح نیست، ولی حسن است.

نصب الراية لأحاديث الهداية، اسم المؤلف: عبدالله بن يوسف أبو محمد الحنفى الزيلعى، دار النشر: دار الحديث -

مصر - ١٣٥٧، تحقيق: محمد يوسف البنورى، ج ٤، ص ٦٨

«ترمذى» در کتاب «سنن ترمذى» آورده است که به آقای «ناصرالدين البانى» تعلق دارد. آقایان آقای البانى را به عنوان یک لیدر وهابى قبول دارند؛ ایشان متوفای ١٤٢٠ است و با آقای (نامفهوم ٣٦:٢٨) با هم راهی آن طرف شدند و هرکجا هستند ان شاءالله خداوند عالم طبق اعمالشان با آنان رفتار کند.

آقای وهابى خوب چشمانشان را باز کنند؛ گرچه ما می دانیم خدای عالم به جهت شقاوت و عداوتی که دارند بر روی چشمان پرده انداخته است. ایشان در صحیح سنن ترمذى می گوید:

«حدثنا ابن ابى عمر، سفیان، مطرر عن عطية العوفى عن أبى سعيد الخدرى»

می گوید:

«صحيح»

منبع این حدیث هم در «سلسلة الأحاديث الصحيحة» حدیث ١٠٧٨ و ١٠٧٩ می باشد. سپس در ادامه می گوید ابو عيسى ترمذى هم گفته است:

«هذا حدیث حسن»

اما من ألبانى معتقدم روایت صحیح است.

منبع یافت نشد. (٣٧:٣٧)

موارد متعددی از این قبیل داریم و تنها همین یک مورد نیست. در حدیث ٢٩٣٦ می گوید:

«عطية بن عوفى عن ابن عمر حسن الروض النضير»

منبع یافت نشد. (۳۷:۵۰)

در روایت دیگری می‌گوید ابوعیسی گفته است:

«هذا حديث صحيح»

یعنی تمام این موارد از آقای ناصرالدین البانی است. ایشان در «سنن ابن ماجه» که با تحقیق «العلامة المحدث ناصرالدین الألبانی» است که ایشان روایتی را نقل می‌کند که اول آن «صحيح» می‌گوید.

«قاسم بن زكريا عبدالرحمن بن مصعب محمد بن عبادہ عن عطية العوفی»

منبع یافت نشد (۳۸:۵۰)

سپس می‌گوید من در کتاب «سلسلة الأحاديث صحیحة» حدیث شماره ۴۹۱ همین روایت را آوردم. این روایت صحیح است و در سند آن هم عطیه عوفی است.

اگر بناست عطیه عوفی انسان ضعیفی است و به دلیل وجود او قضیه فدک که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آن را به حضرت زهرا (سلام الله علیها) بخشیدند زیر سؤال برود باید خیلی از روایات شما که عطیه عوفی در آنجا هست زیر سؤال برود. مضافاً بر اینکه بزرگانی که توصیه کردند و آقای ناصرالدین ألبانی هم که این‌ها را تصحیح کرده است، تمام را باید بشوید و به دریا بیندازید.

تنها عطیه عوفی قضیه فدک و بخشش فدک به حضرت زهرا را نقل نکرده است. اگر جمله روایاتش در این یک روایت منحصر بود حرف شما کاملاً درست بود اما او ده‌ها و صدها روایت نقل کرده است و در جاهای دیگر آمدید روایت ایشان را تضعیف کردید. تضعیف این روایت تنها به دلیل همین قضیه‌ای است که نقل کردند.

جالب اینجاست جناب آقای «ابن عماد حنبلی» در «شذرات الذهب» در جلد سوم می‌گوید:

«روی عن أبي هريرة وطائفة ضربه الحجاج أربعمائة سوط على أن يشتم عليا (رضي الله عنه)»

ابی هریره نقل کرده است که حجاج او را ۴۰۰ ضربه شلاق زد تا علی (علیه السلام) را ناسزا بگوید.

بلافاصله می‌گوید:

«فلم يفعل وهو ضعيف الحديث قاله الذهبي»

شذرات الذهب في أخبار من ذهب، اسم المؤلف: عبد الحي بن أحمد بن محمد العكري الحنبلي، دار النشر: دار

بن كثير - دمشق - ۱۴۰۶ هـ، الطبعة: ط ۱، تحقيق: عبد القادر الأرناؤوط، محمود الأرناؤوط، ص ۱۴۴

اینجا خیلی زیبا بیان کرده است؛ می‌گوید اینجا چون نیامد علی بن ابی طالب (علیه السلام) را ناسزا بگوید چهارصد ضربه شلاق خورد. بنابراین نتیجه آن این است که حدیث ضعیف است. کسی که علی (علیه السلام) را شتم نکند، علی را ناسزا نگوید و به دلیل آن هم ۴۰۰ ضربه شلاق بخورد این نشانگر این است که انسان ضعیفی است.

ما افراد زیادی داشتیم که به خاطر امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌گفتند: ما حاضریم بیایم ۴ یا ۵ ساعت بالای منبر برویم و از فضائل علی (علیه السلام) نقل کنیم و بعد به ما بگویند گردنتان را بزنید و ما آماده بودیم.

موارد متعددی از این قضایا برای شما در منابع عزیزان اهل سنت داریم. در رابطه «نصر بن علی بن نصر» که ایشان روایتی را بالای منبر تحت این عنوان نقل کرد که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) دست حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) را گرفت و فرمود: من حسن و حسین و پدر و مادرش را دوست دارم و پدر و مادر او هم درجه من در بهشت هستند. در همین هنگام متوکل دستور داد به او هزار ضربه شلاق بزنند.

دوستان به کتاب «تهذیب التهذیب» اثر «ابن حجر عسقلانی» جلد ۱۰ صفحه ۳۸۴ و «تهذیب الکمال» اثر «المزی» جلد ۲۹ صفحه ۳۶۰ مراجعه کنند. افعال دیگری برای شما از این‌ها صادر شده است که واقعاً اگر

انسان بخواهد جنایاتی که این افراد نسبت به ناقلین فضائل امیرالمؤمنین یا کسانی که از ترسشان حدیث نقل نمی‌کردند یا می‌آمدند در برابر امر به لعن یا صب امیرالمؤمنین (علیه السلام) مقاومت می‌کردند مطرح بشود شاید در آینده بحث‌هایی با این موضوع داشته باشیم.

الآن در بحث «فقه مقارن» در حوزه همین بحث را دنبال می‌کنیم که زمینه‌ساز تقیه چه بوده است؟ بسیاری از علما و بزرگان اهل سنت بودند که از ترس بنی امیه جرئت نمی‌کردند حدیثی را نقل کنند. حالا که این بحث را مطرح کردم اجازه بدهید عبارتی را از «سیرة أعلام النبلاء» برای آقایان بیاورم تا ببینید قضیه از چه قرار بوده است و مظلومیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به کجا رسیده است.

در «سیرة أعلام النبلاء» جلد ۳ صفحه ۴۸۹ وارد شده است که عطاء بن سائب می‌گوید از عبدالله بن شداد شنیدم که گفت:

«وددت أني قمت على المنبر من غدوة إلى الظهر»

دوست دارم از اول صبح تا ظهر بالای منبر بروم

دوستان علی (علیه السلام) دقت کنید علامه امینی در اواخر حیات خود در تعبیری گفت: کاش خداوند از اول دنیا تا آخر دنیا به من عمر بدهد تا بنشینم برای مظلومیت علی (علیه السلام) گریه کنم.

عبدالله بن شداد از اهل است که می‌گوید:

«فأذكر فضائل علي بن أبي طالب رضي الله عنه ثم أنزل فيضرب عنقي»

فضیلت علی بن ابی طالب (علیه السلام) را بگویم و از منبر بیایم پایین گردنم را بزنند.

سیر أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله، دار النشر: مؤسسة

الرسالة - بیروت - ۱۴۱۳، الطبعة: التاسعة، تحقیق: شعیب الأرناؤوط، محمد نعیم العرقسوسی، ج ۳، ص ۴۸۹

ببینید کار به کجا کشیده است؛ بعضی از افرادی که علاقه به امیرالمؤمنین (علیه السلام) داشتند چه آرزوهایی داشتند. خدا می‌داند هر زمانی که این روایت را می‌خوانم تمام وجودم به لرزه درمی‌آید که الان در چه موقعیتی هستیم و چه آزادانه در منزل نشستیم و با تمام مردم دنیا حرف می‌زنیم و ۶۰ میلیون نفر فضایل امیرالمؤمنین را می‌شنوند و نه تنها احساس ترس نداریم بلکه شغف و شادی هم سراسر وجودمان را فراگرفته است. نه تنها کسی ما را تهدید نمی‌کنند بلکه شیعه و سنی هم ما را تشویق می‌کنند.

در زمان آرزو داشتند که از اول صبح تا ظهر چند ساعتی را به ذکر فضائل امیرالمؤمنین را بگویم و بعد از آن گردن من را بزنند. آنان حاضر بودند برای نقل چهار ساعت فضائل علی بن ابی طالب (علیه السلام) بهای سنگینی را بپردازد. واقعاً هنیئا به این افراد به دلیل عشق و علاقه‌ای که نسبت به امیرالمؤمنین و فداکاری که نسبت به حضرت علی (علیه السلام) داشتند.

من در خدمت حضرتعالی هستم.

مجری:

خوشا به حالشان؛ واقعاً این هم نکته‌ای است که ما قدر آن را نمی‌دانیم. این عشق و ارادت و محبتی که داریم و شرایطی که برای ما و مخصوصاً شما دوستان خوب بیننده دارید که بارها و بارها گفتید که ما به واسطه شبکه جهانی ولایت از یک شیعه شناسنامه‌ای درآمدیم و به یک شیعه حقیقی و واقعی تبدیل شدیم.

این فرصت مناسبی است که اگر شما می‌خواهید نسبت به مظلومیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و حضرت زهرا (سلام الله علیها) و بحث فدک مطالبی بیاموزید به این دانستن خودتان اکتفا نکنید و در هر جا و شرایطی که برای شما امکان دارد آن را بیان و تبلیغ کنید.

در میان بستگان و خانواده یا فضای مجازی و جاهای دیگری که در اختیار دارید در نهایت امنیت از این فرصت استفاده کنید. ببینید کسانی چطور عاشق و محب امیرالمؤمنین (علیه السلام) بودند که حاضر بودند فضایل را بگویند و از منبر پایین بیایند و گردن آنان را بزنند درحالی که ما در نهایت امنیت و سلامت کامل قرار داریم و شرایط خوبی برای ما مهیا است که باید از حریم ولایت مولا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) دفاع کنیم.

استاد در میان فرمایشات شما سؤالی برایم پیش آمد که جالب بود و شاید این سؤال برای دوستان بیننده هم پیش آمده باشد که من به نمایندگی از آنان مطرح می‌کنم. شما زمانی که داشتید بحث «ألبانی» را مطرح می‌کردید به «عطیه عوفی» چندین مورد برگشتید و دو مرتبه نشان دادید که جناب آقای «عطیه» را توثیق کرده است اما زمانی که به روایت فدک می‌رسد آن را تضعیف می‌کند و حتی «ذهبی» هم به همین شکل عمل می‌کند. داستان این دوگانگی چیست؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سؤال زیبایی است؛ امیدوارم عزیزان بیننده چه شیعه و خصوصاً عزیزان اهل سنت و آنانی که امروز دنباله‌رو وهابیت هستند توجه کنند. شاید سؤال حاج علی از الهامات ربانی باشد و اجازه بدهید من جواب آن را مطرح کنم.

کتاب «سلسلة الأحادیث الضعيفة و الموضوعة» از آقای «محمد ناصرالدین ألبانی» متوفای ۱۴۲۰ جلد چهاردهم را ببینید که به حدیث فدک می‌رسد. دقت کنید همان حدیثی که نقل کردیم و سند آن را هم بررسی کردیم در جلد ۱۴ صفحه ۱۵۷ حدیث ۶۷۵۰ را می‌خوانم:

«لما نزلت هذه الآية و آت ذالقربی حقا دعا رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) فاطمة فاعطاها فدك»

زمانی که آیه ۲۶ سوره اسراء نازل شد که پیغمبر حق ذوی القربی را بده پیغمبر فاطمه را خواست و فدک را به او داد.

ایشان در جواب این آیه می‌گوید:

«قلت و هذا إسناد ضعيف»

این سند ضعیف است.

به جهت اینکه عطیه عوفی در اینجا است. این شخص:

«ضعيف مدلس تدليس خبيثا»

هم ضعیف است، هم مدلس است، هم تدلیس است و هم خبیث است.

منبع یافت نشد (۵۰:۴۵)

خیلی عجیب است؛ من نمی‌دانم این‌ها فردای قیامت چه جوابی دارند بدهند. وصیت شیخ صدوق را یادم نمی‌رود که گفت: من را نه در قم دفن کنید، نه در نجف دفن کنید! گفتند: چرا؟ گفت: اگر کسی در قم و نجف دفن شود بدون حساب و کتاب به بهشت می‌رود. گفتند: این که خیلی خوب است! گفت: نه من می‌خواهم ببینم قیامت را ببینم، نظاره‌گر محکمه امیرالمؤمنین (علیه السلام) با دشمنانش باشم و ببینم این افراد که این همه با علی (علیه السلام) بد کردند و در حق امیرالمؤمنین عداوت کردند چه جوابی دارند.

جناب آقای البانی! شما که می‌آیید می‌گویید: آقای عطیه عوفی «ضعیف مدلس تدلیس خبیثا» مخاطبین ما هنوز یادشان نرفت و من دو مرتبه نشان می‌دهم. کتاب «صحیح سنن ترمذی» روایت ۳۴۴۳ را از عطیه عوفی نقل کرد و گفت: روایت صحیح است. در کتاب «سلسلة الأحادیث الصحیحة» در دو روایت وارد شده است که از عطیه عوفی آورده است.

چطور روایات عطیه عوفی در اینجا صحیح است و در «سلسلة الأحادیث الصحيحة» هم شما آن را می‌آورید، در «مشکات» هم عبارت آن را نقل می‌کنید و می‌گویید: در مشکات حدیث ۳۷۰۵ و ۳۷۰۶ و در «صحیح روض النضیر» حدیث ۹۰۹ و در «سلسلة الأحادیث الصحيحة» حدیث ۴۹۱ از عطیه عوفی نقل می‌کنید و می‌گویید روایت او صحیح است اما زمانی که به حدیث فدک می‌رسید می‌گویید:

«إِسْنَادٌ ضَعِيفٌ وَ عَطِيَّةٌ ضَعِيفٌ مَدْلَسٌ تَدْلِيسًا خَبِيثًا»

نمی‌دانم همان تعبیر صدیقه طاهره که امیرالمؤمنین در نامه‌ای به عثمان بن حنیف فرمودند:

«بلى كانت فى ايدىنا فدك من كلِّ ما اظلمت السماء فشخت عليها نفوس قوم و سخت عنها نفوس قوم آخرين»

در زیر آسمان پهناور تنها یک فدک دست ما بود آن هم یک دسته غصب کردند و یک دسته دفاع نکردند و از کنار آن به سادگی عبور کردند.

«نعم الحكم الله»

الطرائف فى معرفة مذاهب الطوائف (فارسی) – السيد بن طاووس (مترجم: الهامی)، ص ۳۹۳

یا به تعبیر حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) چه دوست داشتنی است روزی که داور خداوند باشد، رئیس محکمه نبی مکرم (صلی الله علیه و آله) باشد و طبق کتاب الهی میان و کسانی که فدک را از من گرفتند داوری و قضاوت کنند.

نمی‌دانم امثال آقای ألبانی‌ها فردای قیامت چه جوابی می‌خواهند بدهند؛ آقای ذهبی هم به همین صورت است. آنان وقتی که می‌آیند و می‌خواهند نسبت به قضیه فدک مطالبی را مطرح کنند خیلی عجیب است که بسیار به سادگی می‌گویند: اصلاً مسئله فدک یک مسئله عادی است و زیاد مهم نیست و اگر کسی هم بیاید بخواهد بحث

فدک را مطرح کند اصلاً این‌ها را ما به هیچ وجهی حاضر نیستیم قبول کنیم و اگر کسی آمد بحث فدک را مطرح کرد و زیر سؤال برد ما آزاد هستیم هرگونه توهینی درباره او کرده باشیم.

کتاب «تذكرة الحفاظ» آقای «ذهبی» جلد ۲ در رابطه با «ابن خراش ابو محمد عبدالرحمن» می‌گوید:

«الحافظ البارع الناقد»

اما در صفحه بعد می‌گوید ابن عدی گفت از عبدان شنیدم که من به ابن خراش گفتم حدیث فدک:

«قال باطل»

ذهبی گفته است حدیث باطل است؛ اما ادب ذهبی را نگاه کنید:

«فأما أنت أيها الحافظ البارع الذي شربت بولك»

ای آقای ابن فراش که ادرارت را خوردی

«ان صدقت في الترحال فما عذرک عند الله؟»

اینکه گفتم این حدیث باطل است عذر تو در نزد خداوند چیست

«فأنت زنديق معاند للحق فلا رضى الله عنك»

تو زندق هستی، دشمن خداوند هستی، خداوند از تو راضی نشود

سپس می‌گوید:

«مات ابن خراش إلى غير رحمة الله»

زمانی هم که ابن خراش مُرد به غیر رحمت الله مرد.

تذكرة الحفاظ، اسم المؤلف: أبو عبد الله شمس الدين محمد الذهبي، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت،
الطبعة: الأولى، ج ٢، ص ٦٨٥

«أذكروا موتاكم بالخير» اینجا دیگر کار نمی‌کند. آقای ذهبی که از اجلاء علمای اهل سنت است و می‌گویند اهل سنت عیال کنار سفره چهار نفر بودند که عبارتند از: ذهبی، ابن حجر، مزی و زین الدین عراقی که از ارکان اولیه اهل سنت هستند. زمانی که این آقا می‌گوید این حدیث باطل است به این صورت با او برخورد نکنید.

او می‌گوید: «شربت بولک» نمی‌دانم فحش از این بالاتر داریم یا نداریم. اگر راست می‌گویید دلیل بیاورید که به این دلایل حرف شما نادرست است و مردم دلیل شما را نگاه کنند و قضاوت کنند. اینکه بگوید:

«شربت بولک فأنت زنديق معاند للحق فلا رضى الله عنك»

چه معنایی دارد؟ آیا این جز تعصب کور و کر چیز دیگری هم هست؟ حالا که جناب آقای حاج علی آقا این درد را باز کرد بگذارید ما هم عقده دل را باز کنیم. آقای «ذهبی» در کتاب «میزان الاعتدال فی نقد الرجال» جلد ١ صفحه ٨٢ در رابطه با «احمد بن أظهر» می‌گوید:

«ولم يتكلموا فيه إلا لروايته عن عبد الرزاق عن معمر حديثا في فضائل علي»

کسی این را تضعیف نکرده است مگر به جهت روایتی که از عبدالرزاق از معمر حدیثی در فضائل علی (علیه السلام) داشت

این حدیث چیست؟ حدیثی است که محقق در پاورقی آورده است که پیغمبر اکرم فرمود:

«عدوك يا علي عدوى، وعدوى عدو الله»

دشمن تو دشمن من است و دشمن هم دشمن خداست.

این روایت را نقل کرده است و می‌گوید:

«يشهد القلب أنه باطل»

قلب من شهادت می‌دهد این باطل است.

نمی‌گوید سند آن ضعیف است، نمی‌گوید اشکال دلالتی دارد بلکه می‌گوید قلب من شهادت می‌دهد که این باطل است. عزیزان کتاب «مستدرک» جلد ۳ با تخلص ذهبی را کنار هم بگذارید و قضاوت کنید. پیغمبر فرمود:

«يا علي! أنت سيد في الآخرة»

یا علی! تو سرور روز قیامت هستی

«حبيبي حبيبي و حبيبي حبيب الله»

دوست تو دوست من است و دوست من دوست خداست

«وعدوك عدوي، وعدوي عدو الله»

دشمن تو دشمن من است و دشمن من دشمن خداست

«والويل لمن أبغضك بعدى»

چاه‌های عمیق جهنم جای کسانی است که بعد از من تو را دشمن بدانند

حاکم نیشابوری می‌گوید:

«صحيح على شرط الشيخين»

شرایط صحیح بخاری و شرایط صحیح مسلم در این روایت است

حالا ببینیم که آقای ذهبی درباره این روایت در پاورقی چه می‌گوید؟

«قلت هذا و ان كان رواه ثقات»

این روایت راویانش همه ثقه هستند

آنجا گفت:

«يشهد القلب أنه باطل»

این روایت است. می‌گوید:

«فهو منكر»

ولی روایت منکری است

«ليس ببعيد من الوضع»

بعید نیست که این را ساخته باشند

المستدرک على الصحيحين، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار الكتب

العلمية - بيروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ۳، ص ۱۲۸

آقای ذهبی! اگر راویانش ثقه هستند چه کسی این را جعل کرده است؟ مگر ناقل این روایت این افرادی نیستند

که در سند این روایت هستند؟

«أبي الأزهر قال ثنا عبد الرزاق أنبا معمر عن الزهري عن عبيد الله بن عبد الله عن ابن عباس»

کدام این افراد جعل و وضع بودند و این روایت را جعل کردند؟ ابن عباس جعل کرده است؟ عبیدالله بن عبدالله بن این را جعل کرده است؟ عبدالرزاق جعل کرده است؟ شهاب الدین زهری جعل کرده است؟ آقای معمر جعل کرده است؟ تمام این افراد از شخصیت‌های بزرگ شما در سند روایت هستند و آقای حاکم هم شرایط صحیح بخاری و صحیح مسلم را دارد.

شما می‌گویید: راویان آن همه ثقة هستند ولی بعید نیست که این روایت جعل و ساخته شده باشد. حتماً باید یکی از این راویان ساخته باشند! کدام این افراد جعل و وضع بودند؟ هرکدام از این افراد از بزرگان روات شما یا از صحابه نبی مکرم اسلام بودند.

این‌ها عداوتشان را به هر نوعی که برایشان امکان‌پذیر است به نمایش می‌گذارند. باز هم در کتاب «میزان الاعتدال» جلد ۲ روایتی از «شریک بن عبدالله» و او از «ابن بریده» که او هم از پدرش «بریده أسلمی» نقل می‌کند:

«مرفوعاً منصوباً إلی النبی: لکل نبی وصی و وارث»

«و این علیا وصی‌ای و وارثی»

علی هم وصی من است و هم وارث من است

ذهبی می‌گوید:

«هذا کذب ولا یحتمله شریک»

این دروغ است و شریک بن عبدالله این روایت را نمی‌تواند تحمل کند

خیلی عجیب است؛ یعنی واقعاً انسان نمی‌داند با این شخص چکار کند. جالب این است که در همان جلد صفحه

۲۷۱ از شریک نقل می‌کند:

«لا يفضل عليا على أبي بكر إلا من كان مفتضحا»

هرکسی بگوید علی از ابوبکر افضل است این مفتضح می‌شود.

میزان الاعتدال فی نقد الرجال، اسم المؤلف: شمس الدین محمد بن أحمد الذهبی، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۹۹۵، الطبعة: الأولى، تحقیق: الشیخ علی محمد معوض والشیخ عادل أحمد عبدالموجود، ج ۲، ص

۲۷۱ - ۲۷۳

آقای ذهبی! اینجا شریک بن عبدالله برای شما قابل تحمل است؟ بله قطعاً قابل تحمل است. اول کسی که باید بیاید نستجیر بالله به قول آقای ذهبی و شریک مفتضح بشود نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است. جالب این است که می‌گوید:

«علی خیر البشر فمن أبا فقد كفر»

علی (علیه السلام) بهترین بشر است و هرکسی ابا کند کافر است.

میزان الاعتدال فی نقد الرجال، اسم المؤلف: شمس الدین محمد بن أحمد الذهبی، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۹۹۵، الطبعة: الأولى، تحقیق: الشیخ علی محمد معوض والشیخ عادل أحمد عبدالموجود، ج ۲، ص

۴۰۴

حالا من نمی‌خواهم روی این روایت کار کنم که روایت از عایشه، ابو سعید خدری و دیگران هم هست.

اینجا ایشان می‌گویند: بعضی از کذابین این را آوردند؛ اما در انتها جمله زیبایی دارد. می‌گویند: بله اگر کسی اراده کند:

«خیر البشر فی وقته و بلاشک هو خیر البشر فی أيام خلافته»

علی (علیه السلام) در ایام خلافتش خیر البشر بود.

اگر خداوند عالم به ما لیاقت حضور در محکمه آقای ذهبی را بدهد یک سؤال از ذهبی می‌پرسم. می‌گویم: آقای ذهبی! شما که گفتید در ایام خلافتش بلاشک خیر البشر بوده است، تکلیف طلحه و زبیر و معاویه و غیره که با خیر البشر جنگیدند حکمشان چیست؟

ما با چیز دیگری کار نداریم و این را به صورت حداقل بیان می‌کنیم. «خیر البشر فی ایام خلافته» بود و کسانی که با خیر البشر جنگیدند تکلیفشان چیست؟ امیدواریم آنانی که دارند از ایشان دفاع می‌کنند فردای قیامت بتوانند اینجا جواب بدهند.

ما سال گذشته همین حدیثی را که این آقا دارد نقل می‌کند از أسانید مختلف من جمله «معجم کبیر» آقای «طبرانی» جلد ۶ صفحه ۲۲۱ نقل کردیم که پیغمبر اکرم فرمود:

«فان وصیای و موضع سرّی و خیر من أترک»

بهترین کسی که بعد از من هست

بنابراین نستجیر بالله عبارت آقای «ذهبی» که از «شریک» نقل کرد که هرکس علی (علیه السلام) را بر دیگران تفصیل بدهد مفتضح می‌شود.

«فان وصیتی و موضع سرّی و خیر من أترکه بعدی ینجز عدتی و یقضی دینی علی بن ابی طالب (علیه السلام)»

روایت هم صددرصد صحیح است؛ ما بحث سندی آن را هم کردیم و تمام راویان آن از جمله محمد بن عبدالله حصرمی صدوق، ذهبی گفته است ثقة، ابراهیم بن حسن و تمام راویان را تک تک بررسی کردیم و گفتیم راویان همه صحیح هستند. همین روایت «لکل نبی وصی و وارث» که گفت برای شریک قابل تحمل نیست جناب آقای

ذهبی از «بریده أسلمی» صحابه پیغمبر هم نقل شده است «لکل نبی وصی و وارث و إن علیا وصی ای و وارثی» و تمام راویانش را هم جناب آقای ذهبی خود شما در خیلی جاها صداقت آنها تأکید کرده‌اید.

سمرقندی را ثقه خطاب کردید، ابوالحسین خطیب بغدادی را خطاب کردید، ابوالقاسم بن عیسی را ثقه خطاب کردید. تمام این افراد را یا ابن حجر ثقه خطاب کرده است یا ذهبی ثقه خطاب کرده است و یا مزی ثقه خطاب کرده است. باز در اینجا ذهبی ثقه گفته است، ابن حجر «ثقة ثقة» می‌گوید، ذهبی «العلامة الحافظ» می‌گوید، ابن معین «ثقة» می‌گوید، ابن حجر «ثقة» می‌گوید.

آقای ذهبی! تمام راویان حدیث تک تک مورد وثوق شماست. چطور زمانی که حدیث وصیت را نقل می‌کنید می‌گویید:

«ولا یحتمله شریک»

شریک بن عبدالله قابل تحمل نیست.

اما آن کسی که:

«لا یفضل علیا علی ابی بکر إلا من کان مفتضحاً»

برای شریک قابل تحمل است و برای شما قابل تحمل هست. این برخورد دوگانه‌ای است که این آقایان نسبت به امیرالمؤمنین (علیه السلام) داشتند؛ واقعاً نیاز است انسان تدبر و تفکر کند و از خواب غفلت بیدار شود و بداند حق چیست، حقیقت کجاست و حق جویی چیست.

تا زمانی که به دنبال او می‌گردند نتیجه‌اش همین کارهایی است که الان دارند می‌کنند؛ خیلی واضح و روشن است. ما تا الان هرچه گفتیم تصاویر کتابها را هم نشان دادیم اما راجع به توثیقات چون زمان نداشتیم دیگر تصاویر کتب را نشان ندادیم.

مجری:

استاد چون می‌خواهیم در خدمت دوستان بیننده باشیم زمان بسیار کمی داریم. استاد یک مطلب را یادتان رفت بگویید و اگر امکان دارد اشاره کوتاهی بکنید و اگر لازم شد هفته بعد در مورد آن صحبت خواهیم کرد. بحث «و آت ذی القربی» دو ایراد داشت: یکی بحث عطیه در آن روایت بود و دیگری هم مطلبی که گفتند آیه در مکه نازل شده است اما مصداق آن در مدینه بوده است. اگر این را بخواهیم جواب بدهیم چه باید بگوییم؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

این مطلب را خیلی سریع برای شما جواب می‌دهم اما اجازه بدهید تفصیل آن را برای جلسه بعد بگذاریم. در رابطه با شبهه‌ای که مطرح کردند این در مکه نازل شده است دقت کنید کتاب «اتقان فی علوم القرآن» نوشته آقای «سیوطی» که یکی از کتاب‌های درسی دانشگاه‌های کشورهای عربی است. در جلد اول این کتاب وارد شده است:

«ما تأخر حکمه عن نزوله و ما تأخر نزوله عن حکمه»

آیاتی که حکمشان قبل از نزول و بعد از نزول بوده است.

ایشان می‌گویند:

«قد یکون النزول سابقاً علی حکم»

گاهی اوقات آیه نازل می‌شود اما حکم آیه هنوز نیامده است

سپس ایشان می‌گویند:

«قد أفلح من تزکی»

هرکسی که زکات فطره داد رستگار شد

«نزلت فی زکاة الفطر وأخرج البزار»

سپس می گوید:

«لأن السورة مكية ولم يكن بمكة عيد ولا زكاة ولا صوم»

الإتقان فی علوم القرآن، اسم المؤلف: جلال الدين عبد الرحمن السيوطي، دار النشر: دار الفكر - لبنان - ١٤١٦

هـ- ١٩٩٦ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: سعيد المندوب، ج ١، ص ١٠٦

اصلاً روزه سال دوم هجرت واجب شده است اما حکم آن در مکه بدین صورت آمده است: کسی که یک ماه رمضان روزه بدهد و روز عید فطر زکات فطره بدهد رستگار می شود. جناب آقای ابن کثیر دمشقی این آیه را چه می فرمایید؟ «الآية مكية» قبل از اینکه حکم بیاید و حکم در مدینه آمده است.

مجری:

مطلبی در خصوص نماز جمعه

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله الآن همین مطلب را هم می آورد. چند آیه در مکه در رابطه با فتح بدر نازل شده است که اینها همه در مکه نازل شده است اما حکم آن در مدینه آمده است. عزیزان در رابطه با این مطلب چه جوابی دارند؟ هر جوابی دادند ما در خدمت عزیزان هستیم و ان شاء الله جواب را خواهیم داد.

مجری:

جناب استاد خیلی متشکرم؛ ان شاء الله خداوند به شما نیرو و انرژی بدهد.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

کتاب «الإتقان فی علوم القرآن» که آقای حاج علی گفتند در رابطه با نماز جمعه است به این صورت است:

«فإنها مدنية والجمعة فرضت بمكة وقول ابن الغرس إن إقامة الجمعة لم تكن بمكة قط»

الإتقان فی علوم القرآن، اسم المؤلف: جلال الدين عبد الرحمن السيوطي، دار النشر: دار الفكر - لبنان - ۱۴۱۶

هـ- ۱۹۹۶ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: سعيد المندوب، ج ۱، ص ۱۰۸

بينید در مکه اصلاً نماز جمعه‌ای در کار نبوده است.

مجری:

حالا اگر لازم شد ان شاءالله هفته آینده بیشتر در مورد آن صحبت می‌کنیم. استاد بیان فرمودند گاهی اوقات زمانی که نام فضائل امیر مؤمنان علی (علیه السلام) مطرح می‌شود می‌بینید که چه عکس العمل‌هایی را نشان دادند. این افعال از اول تاریخ بوده است و هنوز هم در گوشه و کنار می‌بینیم که وجود دارد. اما ما می‌گوییم:

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست

که تر کنم سر انگشت و صفحه بشمارم

خدا ان شاءالله پول با برکت و حلال به شما بدهد و زمانی که می‌خواهید پول بشمارید دستتان را خیس می‌کنید و می‌شمارید. اگر تمام فضائل امیرالمؤمنین در یک کتاب جمع بشود و شما می‌خواهید این انگشتتان را خیس کنید و تنها فضائل مولا امیرالمؤمنین (علیه السلام) را ورق بزنید آب دریا هم در برابر این کار کم خواهد بود.

خوش به حال شما که دلتان لبریز از عشق و ارادت و محبت مولا امیرالمؤمنین (علیه السلام) است.

مجری:

صلی الله علیک یا امیرالمؤمنین

چقدر زیبا و دلچسب است زمانی که زیارت امین الله را در جف روبروی ایوان نجف بخوانیم.

ایوان نجف عجب صفایی دارد

حیدر بنگر چه بارگاهی دارد

دیروز شاید همین لحظات بود که در محضر امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نجف اشرف بودم. فقط بشینید و لذت ببرید از اینکه قد و بالای حرم امیرالمؤمنین (علیه السلام) را می بینید و عشق و ارادت و محبت این آقا در دلتان هست؛ خیلی قیمتی و ارزشمند است. واقعاً قدر آن را نمی دانیم؛ ان شاءالله رهرو راه امیرالمؤمنین (علیه السلام) هم باشیم و تلاش کنیم رضایت آقا را به دست بیاوریم. همین عشق و ارادت خیلی ارزشمند است و در دنیا هم هرچه که بگوییم باز هم کم است.

می دیدم گاهی اوقات مرتب جنازه ها را می آوردند و در حرم امیرالمؤمنین (علیه السلام) دور حرم طواف می دادند. زمانی شهدای مدافع حرم در عراق را آنجا می آوردند با خودم فکر می کردم این ها الان چه حالی دارند. هنگامی که لحظه جان کندن قد و بالای مولایشان امیرالمؤمنین (علیه السلام) را می بینند.

خود امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

«فمن یمت یرنی»

هرکسی بمیرد من را می بیند.

نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه - الشیخ المحمودی، ج ۲، پاورقی ص ۶۷۱

اما اگر کسی محب و عاشق امیرالمؤمنین و شیعه آن حضرت باشد و رضایت آن را به دست بیاورد و سعی می‌کند در زندگی و رفتار و کردارش با خانواده و اجتماع رضایت آقا را به دست آورده باشد جور دیگری آقا امیرالمؤمنین (علیه السلام) را موقع جان‌کندن می‌بیند و با کسی که بغض و کینه و دشمنی امیرالمؤمنین (علیه السلام) را دارد فرق می‌کند.

خوشا به حالتان با این دل‌هایتان که پر از عشق و ارادت و محبت آقا هست.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ای که گفتی «فمن یمت یرنی»

جان فدای کلام دل جویت

کاش روزی هزار مرتبه من

مردمی تا بدیدمی رویت

یکی از شعرا می‌گوید:

از آن زمان که شنیدم «فمن یمت یرنی»

هوای موت به سر دارم و لقای علی جان

اگرچه غرق گناهم غم از حساب ندارم

که برده حب توأم بیم سیئات علی جان

علی حبه جنة قسیم النار و الجنة

مجری:

چقدر زیبا! استاد دست شما درد نکند. زمانی که در حرم امیرالمؤمنین (علیه السلام) هستید احساس می‌کنید که در خانه خودت هستی، احساس می‌کنید که در محضر پدر مهربانی نشستید و آنجا دارید عرض ادب می‌کنید. ان شاءالله نصیب شما بشود.

همیشه به یادتان بودم و گفتم ولایت یاوران را ویژه دعا می‌کنیم و به یادشان هستیم و به ویژه عزیزانی که خارج از کشور هستند همیشه به یادشان هستم و هر جا که می‌روم اگر لایق باشم می‌گویم این‌ها دستشان از عتبات عالیات، حرم امام رضا (علیه السلام) و کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) کوتاه است و ان شاءالله دعاهای ما پذیرفته باشد.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

نکته‌ای وجود دارد که حیفم می‌آید که آن را بیان نکنم. خطاب به وهابی‌هایی که از ما به جهت علی گفتن ایراد می‌گیرند برای اینکه نمی‌توانند تحمل کنند ما می‌گوییم: «موتوا یغیظکم». ای شیعه و ای سنی:

دردت مداوا می‌شود با گفتن یک یا علی

عقده ز دل وا می‌شود با گفتن یک یا علی

زهرها دعایت می‌کند غرق عطایت می‌کند

وقتی لبت وا می‌شود با گفتن یک یا علی

صدها گره وا می‌شود با گفتن یا فاطمه

یک قطره دریا می‌شود با گفتن یک یا علی

مجری:

عمری است که دم به دم علی می‌گویم

در حال نشاط و غم علی می‌گویم

تا حال علی گفته‌ام ان شاءالله

تا آخر عمر هم علی می‌گویم

چقدر این لحظه برنامه ما زیبا شد! از اول برنامه که حضرت استاد کلی محتوا فرمودند و الان هم که احساس چاشنی آن شد و این عشق و ارادت و محبت به مولا امیرالمؤمنین (علیه السلام) به آن اضافه شد. ان شاءالله هرکسی آرزومند حرم آقا امیرالمؤمنین (علیه السلام) است خداوندان شاءالله نصیب او کند.

تماس بینندگان:

از این لحظه ما در خدمت دوستان بیننده، چه عزیزان شیعه و چه عزیزان اهل سنت هستیم و فقط بزرگواری بفرمایید زیرا وقت کمی داریم. لطف بفرمایید مختصر و مفید بیان کنید تا بتوانیم تلفن‌های بیشتری را پخش کنیم. سامانه پیام کوتاه در اختیار شما هست و از طریق شماره پیامک ۳۰۰۰۱۲۰۳ از طریق تلگرام و واتس آپ و تلفن هرچه دلتان می‌خواهد از عشق و ارادت و محبتتان به مولا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) برای ما بفرستید.

آقا محمود از بوشهر بیننده برنامه ما هستند. سلام به شما و شبتان بخیر:

بیننده (آقا محمود از بوشهر - شیعه):

با عرض سلام محضر پربركت حضرت آيت الله دكتر حسيني قزويني و برادر بزرگوارم حاج علي اسماعيلي عزيز.
اميدوارم زيارت شما قبول باشد و ان شاء الله نايب الزياره بوديد.

من سؤالی از آقایانی دارم که تفکر وهابی دارند و البته این سؤال را با مقدمه کوتاهی می‌خواهم از آنان بپرسم.
سؤال این است که فدک یا هدیه پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) به حضرت زهرا (سلام الله علیها) بوده است که طبق اسناد متعدد تاریخی عیناً همین بوده است و یا به قول حدیث تک نفره ارث بوده است. آیا آقایان قبول دارند که تا قبل از شهادت مظلومانه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فدک در اختیار حضرت زهرا (سلام الله علیه) بوده است؟ با این پیش فرض که یا به عنوان هدیه و یا به عنوان سهم الارث پیامبر مطلع بوده است که فدک در اختیار دخترشان هست و هیچ عملی برای بازپس گیری آن انجام نداده است.

مگر نه این است که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تنها به یک نفر گفته است که ما از ارث از خود به جای نمی‌گذاریم چرا برخلاف فرموده خودشان عمل کردند؟ آیا پیامبر با علم به اینکه گذاشتن ارث حرام است ارث را به دخترشان دادند؟ منظور این است که پیامبر در گفتار چیزی فرموده است و در عمل برعکس آن را عمل کرده است یا العیاذ بالله پیامبر حرف و عملش دوجور بوده است؟

می‌خواهم به این سؤال من پاسخ بدهند و حداقل به خودشان جواب بدهند که آیا بعد از اینکه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از دنیا رفت فدک به حضرت زهرا (سلام الله علیه) رسید یا قبل از آن رسیده بود؟ اگر قبل از آن بوده است چرا پیامبر هیچ کاری نکرده است؟

این سؤالی بود که من می‌خواستم از طریق این شبکه از آقایان سؤال کنم.

مجری:

محمود آقا از بوشهر از شما خیلی ممنونم و ان شاءالله موفق و پیروز و سربلند باشید. به پایتخت ایران اسلامی برویم و با آقای کمیجانی صحبت کنیم. آقای کمیجانی سلامم علیکم:

بیننده (آقای کمیجانی از تهران - شیعه):

سلامم علیکم و رحمة الله. حاج علی ان شاءالله زیارت شما قبول حضرت احدیت باشد و نایب الزیارة بودید. افتخاری است که در خدمت حضرت استاد هستیم، خدا را شاکریم که این توفیق نصیب ما شد که در خدمت این بزرگوار شیخ جلیل القدر باشیم. طبیعی است که در مقابل استاد صحبت کردن برای ما استرس داشته باشد. عرض سلام و ادب محضر استاد دارم.

سؤالم این بود که با توجه به اینکه خلیفه اول مجاب شد. حالا اینجا جای سؤال است فضایی که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نسبت به خانم حضرت زهرا (سلام الله علیها) فرموده بودند را نمی دانستند؟ حالا بر فرض که آن فضایل را نمی دانستند و اصلاً نشنیده بودند. خلیفه اول ابوبکر بود که مجاب شد؛ عمر در این میان چه نقشی داشت که نامه را پاره کرد؟ این مطلب را برای من روشن کنید.

مجری:

آقای کمیجانی از شما تشکر می کنم و ان شاءالله استاد توضیحات را بیان می کنند. به دلیل اینکه زمان تماس های تلفنی ما کم شد و می خواستیم مباحث را به جایی برسانیم اگر بزرگواران لطف کنند مختصر و مفید سؤالات خودشان را مطرح کنند از آنان ممنون هستیم.

آقای عبدی از کرمانشاه از شیعیان مولا امیرالمؤمنین (علیه السلام) پشت خط هستند. سلامم علیکم:

بیننده (آقای عبدی از کرمانشاه - شیعه):

سلامٌ عليكم خدمت آقای اسماعیلی عزیز و سلام به محضر استاد بزرگوار بزرگوار حضرت آیت الله حسینی قزوینی. از محضر استاد سؤالی داشتم؛ ما نسبت به اطلاعاتی که آن زمان داشتیم خیلی نسبت به مظلومیت آقا امیرالمؤمنین بغض گلویمان را می‌گیرد اما الان می‌خواهم بدانم حاج آقا چطور با این همه اطلاعاتی که راجع به مظلومیت مولا امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌دانند چطور تحمل می‌کنند.

الان از لحظه‌ای که جلوی تلویزیون بودم و صحبت‌های استاد را شنیدم یک سره دارم اشک می‌ریزم. با این همه مظلومیتی که آقا امیرالمؤمنین داشته است و این همه بغضی که وهابیت نسبت به مولا امیرالمؤمنین دارند تنها روز محشر به امید خدا همان موقع صحرای محشر معلوم می‌شود که آقا و مولای ما کیست و چطور در مورد ایشان قضاوت می‌شود.

مجری:

آقای عبدی از شما ممنونم. آقای فاضلی از اهواز پشت خط هستند؛ سلام عليكم شب شما بخیر:

بیننده (آقای فاضلی از اهواز - شیعه):

سلامٌ عليكم. می‌خواستم از حاج آقا پیرسم شبکه الفادی که در به مسیحیت تعلق دارد که اسلام و پیامبر را زیر سؤال می‌برند. لحظه‌ای به سخنانشان گوش بدهید و ببینید که دارند آیات قرآن را زیر سؤال می‌برند. می‌خواستم به حاج آقا بگویم با این شبکه مبارزه کنید که اصل آیات قرآن را تحریف می‌کنند. شما لحظه‌ای نگاه کنید و ببینید چه چیزهایی می‌گویند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

برادر بزرگوارم برنامه‌ای که جناب آقای عباسی به نام عصر ایمان دارند همانجا ایشان مفصل دارند همین بحث را مطرح می‌کنند. شما اگر شنبه شبها ساعت ۸ تا ۱۰ ببینید برنامه‌ای به نام عصر ایمان پخش می‌شود که شبهاتی علیه قرآن، علیه اسلام و علیه نبی مکرم را جناب آقای عباسی مطرح می‌کنند و پاسخ می‌دهند.

همه برنامه نمی‌تواند در یک موضوع باشد. قبل از ما جناب آقای دکتر کرمی بحث‌های اخلاقی و روانشناسی داشتند، الان ما بحث کلامی داریم، دوستان ما بحث چالش و حرف‌های بی‌اساس شبکه‌های وهابیت را پاسخ می‌دهند و قبل از ما هم برنامه تفسیر قرآن وجود دارد. اگر دانشگاه بخواهد کامل باشد باید همه مطالب در آن وجود داشته باشد.

مجری:

آقای فاضلی عزیزان شاءالله اگر برنامه‌ها را مرور کنند یا اگر فرصت دیدن برنامه‌ها را نداشتند اگر وقتی بگذارند و نگاه به سایت داشته باشند می‌بینند در موضوعات مختلف برنامه داریم. مباحث قرآنی و مباحث احکام و مباحث تربیتی خانواده و غیره در آن وجود دارد. برنامه ما که یکشنبه شبها در محضر استاد هستیم به این برنامه اختصاص دارد.

همانطوری که استاد فرمودند شنبه شبها برنامه‌ای که به نام عصر ایمان تقدیم حضور بیننده‌ها می‌شود مربوط به شبهاتی است که در مقابل دین اسلام وجود دارد که از جمله آن‌ها مسیحیت می‌باشد. به هر صورت از نکته‌ای که شما فرمودید ممنونیم اما اگر عنایت بفرمایید ما در همه جنبه‌ها در شبکه جهانی ولایت برنامه داریم.

خانم وطن‌پور از تهران بیننده بعدی برنامه ما هستند. سرکار خانم خدمت شما سلام عرض می‌کنم:

بیننده (خانم وطن‌پور از تهران - شیعه):

سلامٌ علیکم و رحمة الله. ایام را خدمت شما تسلیت عرض می‌کنم و امیدوارم عزاداری‌های شما قبول باشد. خدمت حضرت استاد هم سلام عرض می‌کنم.

من سؤال کوتاهی را از محضر استاد می‌پرسم و امیدوارم ارائه طریق بفرمایند و راهنمایی کنند. سؤال من این است که قاتل یا قاتلین حضرت محسن (علیه السلام) چه کسانی بودند و آیا در این خصوص دادگاهی تشکیل شده است یا نه؟ اگر بله، آیا قصاصی انجام شده است یا نه؟ اگر تشکیل نشده است، چرا تشکیل نشده است؟

مجری:

از شما خداحافظی می‌کنم و ان شاءالله استاد توضیحاتی را ارائه خواهند داد. آقای نیشابوری از مشهد دیار امام رضای مهربان (علیه السلام) پشت خط هستند. خدمت شما عرض می‌کنم:

بیننده (خانم نیشابوری از مشهد - شیعه):

سلام به مجری توانا و دوست داشتنی آقای اسماعیلی و همچنین بر فخر شیعه و مالک اشتر نخعی زمانه و سلام بر ابوعبید ثقفی زمانه. از این جهت شما را مالک اشتر نخعی زمانه خطاب می‌کنم زیرا همدم و هم یار و هم نفس ولایت هستید. از این جهت شما را ابوعبید ثقفی زمانه خطاب می‌کنم زیرا منتقم ما شیعیان در برابر وهابیت و سلفیون و داعشی‌ها هستید.

می‌خواستم مسئله‌ای را ذکر کنم که شاید اصلاً ربطی به موضوع برنامه ما نداشته باشد و آن این است اما باید این مسئله را بیان می‌کردم. حقیقتاً حاج آقا دو سه ماهی گره در کار ما افتاده بود. خدا را شاهد می‌گیرم مبلغ بسیار ناچیزی که بیشتر از این از دستم بر نمی‌آمد نذر این شبکه کردم و خدا شاهد است فی الفور نتیجه گرفتم. از شبکه خوب شما و این همه معلوماتی که به ما می‌دهید ممنونم و ان شاءالله که امام زمان پشیمان شما باشد. موفق و مؤید باشید.

مجری:

آقای نیشابوری شما هم قول بدهید که حتماً دعاگو و نایب الزیاره ما در جوار حضرت ابالحسن علی بن موسی الرضا (علیه السلام) باشید، از شما خداحافظی می‌کنم. آقای حنایی از تهران بیننده بعدی ما هستند. آقای حنایی سلام علیکم:

بیننده (آقای حنایی از تهران - شیعه):

خدمت آقای اسماعیلی و هم چنین دکتر قزوینی با آن چهره نورانی ایشان سلام عرض می‌کنم. آقای دکتر سؤالی از شما داشتم. می‌خواستم ببینم احادیثی که در مورد آتش زدن درب خانه حضرت زهرا (علیه السلام) است آیا در کتب اهل سنت مستند است و ما می‌توانیم به آن دلالت کنیم یا نه؟ من به سایت ولی عصر هم مراجعه کردم و احادیث را دیدم و فقط می‌خواستم به طور خلاصه بفرمایید که احادیث صحیح السند است یا نه؟ سؤال دیگری هم دارم؛ حاج آقا دوستی دارم که اهل سنت است و با او صحبت می‌کنم و می‌گوید عالمان ما این را می‌گویند. گفتم یکی از عالمان شما که واقعاً علم بالایی دارد به شبکه ولایت بیاید و من شما را وصل کنم و مناظره و مباحثه کنند. او دلیل می‌آورد و می‌گوید حفاظت اطلاعات جمهوری اسلامی با ما برخورد می‌کند. من می‌گویم این دروغ است و حفاظت اطلاعات جمهوری اسلامی با هیچ کسی برخورد نمی‌کند غیر از اینکه سیاسی باشد و اصلاً به اعتقادات مردم کار ندارد. من می‌گویم چطور با آقای عبدالحمید برخورد نمی‌کند. او می‌گوید اگر برخورد کنند زاهدان شلوغ می‌شود و این توجیهات را می‌آورند. می‌خواستم شما مختصر در این مورد نیز صحبت کنید.

مجری:

آقای حنایی خیلی از شما ممنونم. ما مسلمانان چه شیعه و چه اهل سنت الان یک دشمن مشترک داریم و آن وهابیت است که واقعاً به اسم اسلام جنایت می‌کنم. به نظرم اگر قرار است بحث و مناظره‌ای کنیم با آن‌ها بحث کنیم که به اسلام دارند ریشه اسلام را می‌زنند و بسیاری از تفکرات و اندیشه‌ها را وارد اسلام کردند والا ما با عزیزان و برادران اهل سنت مباحث و اختلافات علمی داریم که آن‌ها خیلی جای بحث ندارد و بیشتر باید در این زمینه باشیم. شما هم اگر با این دوست عزیزی که گفتید هستید باید بیشتر روی این زمینه اتفاق نظر داشته باشید و از مشترکاتتان بگویید بهتر خواهد بود.

استاد خیلی فرصت نداریم، چند تا سؤال مطرح کردند:

آقای کمیجانی از تهران پرسیدند چرا خلیفه دوم نامه‌ای که خلیفه اول نوشته بودند و به دست حضرت زهرای مرضیه داده بودند پاره کردند و چرا آن کار را کردند؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در همان عبارتی که آمده است خود خلیفه دوم که ما در جلسه بعدی آن را برای عزیزان بیننده مطرح می‌کنیم. در همانجا هم وجود دارد که می‌گوید اگر چنانچه شما فدک را از حضرت زهرا برگردانید می‌خواهید این حکومت را با کدام سرمایه و کدام اقتصاد بچرخانید. در همان روایت هم کاملاً مشخص است که خود خلیفه دوم به صراحت بیان می‌کند علت اینکه من نامه را پاره کردم چه بوده است.

مجری:

خیلی متشکرم. پاسخ آقای فاضلی را هم دادیم. خانم وطن‌پور از تهران در خصوص قاتلین حضرت محسن پرسیدند که آیا ما در منابع داریم که مشخص باشد؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در رابطه با قضیه شهادت حضرت محسن خوب ما روایات متعدد چه از کتب شیعه و چه از کتب اهل سنت داریم بر اینکه حضرت زهرا (سلام الله علیها) فرزندی به نام محسن داشتند. حتی علمای اهل سنت در کتاب «تهذیب الکمال» نوشته آقای «المزی» را ببینند که ایشان می‌گویند:

«محسن درج سقطا»

تهذیب الکمال، اسم المؤلف: یوسف بن الزکی عبدالرحمن أبو الحجاج المزی، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بیروت - ۱۴۰۰ - ۱۹۸۰، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. بشار عواد معروف، ج ۲۰، ص ۴۷۹

«سقطا» به معنای «فات» و «مات» است و بیان می‌کند که به واسطه سقط از دنیا رفت. همچنین جناب آقای «فاسیه» در مکه در «عقد الثمین» باز هم همین تعبیر را دارد. از اولاد حضرت زهرا (سلام الله علیها) یکی محسن بود که او هم توسط سقط از دنیا رفت. کتابی است که جناب آقای «سید محمد مهدی خراسان» نوشته است:

«المحسن السبط مولود عن سقط»

منبع یافت نشد (۱:۴۰:۵۰)

ایشان در اینجا مفصل از حدود ۵۰ یا ۶۰ نفر از علمای بزرگ اهل سنت را نام می‌برد که این‌ها آورده‌اند که حضرت محسن (سلام الله علیه) سقط شدند. مفصل‌ترین کتابی که در این موضوع دیدم کتاب جناب آقای خراسان بوده است که تازه از دنیا رفتند. اما اینکه آیا حضرت محسن که سقط شد آیا انتقامش گرفته شد یا گرفته نشد بسیاری از افراد بودند که کشته شدند و انتقامشان گرفته نشد و دادگاهی هم تشکیل نشد و حتی در قضیه قتل عمر بن الخطاب خلیفه دوم پسر ایشان دختر ابو لؤلؤ را کشت و خود امیرالمؤمنین (علیه السلام) به

عثمان گفت که باید بیایید ایشان را قصاص کنید و متأسفانه ایشان انتقام نگرفت و لذا روی این جهت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود من هر زمانی که دسترسی پیدا کنم او را قصاص خواهم کرد.

دلیل ایشان این است که پدر جرمی مرتکب شده است و شما چرا باید فرزند او را بکشید. این قضیه کاملاً مشخص است که متأسفانه این قضیه انجام نشد. لذا امیرالمؤمنین (علیه السلام) در آن ۲۵ سال مبسوط الید نبودند، در ۵ سال خلافت ایشان هم قضیه به طوری بود که اصلاً امکان اینکه بتواند انحرافات که در آن مدت انجام شده بود را بخواهد به جای خودش برگرداند.

این کاملاً واضح و روشن است؛ کارهایی از جمله نماز تراویح را که حضرت خواستند برگردانند متأسفانه فرمود که اگر من نماز تراویح را که بدعت است بخواهم برگردانم و این بدعت را مانع بشوم مردم کاملاً از من برمی‌گردد و از اطراف من پراکنده می‌شوند گرچه نماز تراویح که اقدام کوچکی بود.

حضرت در رابطه با مسئله فدک فرمودند که اگر من بخواهم آن را به فرزندان حضرت زهرا (سلام الله علیها) برگردانم مردم برایشان قابل تحمل نیست و در نامه ۵۳ نهج البلاغه به مالک اشتر نخعی تعبیر امیرالمؤمنین (علیه السلام) این است:

«فَإِنَّ هَذَا الدِّينَ قَدْ كَانَ أَسِيرًا فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ»

قبل از من دین در دست اشرار اسیر بوده است

نهج البلاغه، ص ۴۳۵

حال قبل از ایشان دودمان بنی امیه باشد که عثمان روی کار آورده بود یا هر چیز دیگری باشد. در خطبه ۱۵۰ تعبیری که امیرالمؤمنین دارد:

«عَلَى سُنَّةٍ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ»

اما هیچ کدام از این‌ها را امیرالمؤمنین نتوانستند. عزیزمان که گفتند برای چه این نامه را پاره کردند در جواب می‌گویم کتاب «السيرة الحلیية» جلد ۳ صفحه ۴۸۸ آقای «سبط ابن جوزی» که از بزرگان اهل سنت است که می‌گوید:

«دخل عليه عمررضی الله تعالى عنه فقال ما هذا فقال کتاب کتبه فاطمه بمیراثها من ابيها»

این میراث حضرت زهرا بود و من نوشتم که برود آن را تصرف کند

«فقال مماذا تنفق علی المسلمین»

با کدام اموال و با کدام ثروت و با کدام مسائل اقتصادی می‌خواهید به مسلمانان انفاق کنید

«وقد حار بتک العرب کما تری»

الان عرب در برابر تو ایستاده است و دارد با تو می‌جنگد این هزینه‌های جنگی و هزینه‌های مسلمین را از کجا می‌خواهید تأمین کنید.

اگر فدک را دادید و فردا می‌خواهی سپاهی به جنگ اصحاب رده بفرستید. این سپاه اولین چیزی که احتیاج دارد هزینه‌های جاری می‌خواهد و این هزینه‌های جاری را از کجا می‌خواهید تأمین کنید؟

السيرة الحلیية فی سيرة الأئمة المأمون، اسم المؤلف: علی بن برهان الدین الحلبی، دار النشر: دار المعرفة -

بیروت - ۱۴۰۰، ج ۳، ص ۴۸۸

مجری:

استاد این توجیه قابل قبول است که بگوییم چون برای صرف امور مسلمین است آن را مصرف می‌کنیم؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اگر هدف وسیله را توجیه کند بله.

مجری:

استاد وقتمان خیلی کم است. آقای حنایی در خصوص آتش زدن درب خانه حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) پرسیدند که آیا در منابع اهل سنت هست یا خیر؟ خیلی کوتاه بفرمایید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در کتاب «فرائد المسطین» جلد ۲ صفحه ۳۳ و ۳۴ به صراحت آقای جوینی مطرح می‌کند که این‌ها بعد از نبی مکرم خانه حضرت زهرا (سلام الله علیها) را مورد هتک قرار می‌گیرد و پهلوی حضرت زهرا شکسته می‌شود، حضرت محسن سقط می‌شود و خود آن حضرت نیز به شهادت می‌رسد.

در کتاب «کافی» در جلد ۲ صفحه ۸۳ هم به صراحت از حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) نقل شده است:

«إِنَّ فَاطِمَةَ صَدِيقَةَ شَهِيدَةٍ»

شرح فروع الکافی - للمولی محمد هادی بن محمد صالح المازندرانی، ج ۲، ص ۸۳

این خیلی صریح است اگر کنار هم قرار بگیرد بسیار واضح و روشن است و لذا روی این قضایا هست. اما موضوع آتش زدن در منابع شیعه خیلی مفصل آمده است. دوستان ما همین هفت هشت روز قبل مقاله‌ای را تحت همین عنوان روی سایت گذاشتند که مظلومیت حضرت زهرا یا مصائب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از منابع شیعه که اگر عزیزان از سایت بردارند مجموع روایاتی که در این زمینه در منابع شیعه وجود دارد از جمله ریختن به خانه و آتش زدن خانه جمع آوری شده است.

این اولین باری است که دوستان ما در واحد پاسخ به شبهات تمام منابع شیعه را مخصوصاً در رابطه با آتش زدن و غیره را آوردند. در منابع اهل سنت تهدید به آتش زدن که مشخص است. یه قول «ذهبی» با آن همه مطالبی که از او نقل کردیم در «تاریخ الاسلام» جلد ۳ صفحه ۱۱۸ به صراحت قضیه قسم خوردن خلیفه دوم را می‌گوید که گفته است: قسم به خدای عالم که من خانه را به آتش می‌کشم.

ما سؤالی داشتیم و آن این است ایشان که قسم خورده است واقعاً به قسم عمل کرده است یا عمل نکرده است؟ اگر عمل کرده است که خوب همان که در منابع شیعه است. اگر عمل نکرده است که حنث قسم لازم می‌آید و باید کفاره بدهد. آیا شما دلیلی در این زمینه دارید که جناب خلیفه به خاطر حنث قسم و شکستن قسمشان کفاره داده باشد؟ این قضایا وجود دارد.

من بارها گفتم؛ بعضی از آقایان اهل سنت ما زمانی که قضیه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) مطرح می‌شود خیلی متعصب می‌شوند که این منافی وحدت است. ما بارها گفتیم که همین قضایا را برای شما عرض کنم خود شما جلوی چشم نبی مکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) که حضرت زهرا هم میان زن‌ها بود و برای دختر پیغمبر گریه می‌کردند و خلیفه دوم با شلاق همه را می‌زد.

نبی مکرم اسلام دست خلیفه دوم را گرفت و فرمودند:

«مهیا عمرا»

عمر دست ننگه دار و بگذار گریه کنند.

این مطالب که در منابع خود شما آمده است؛ این‌ها را چکار می‌خواهید کنید. بر فرض ما این قضیه فاطمیه را کنار بگذاریم. اهل سنت می‌گویند: فاطمیه با وحدت منافات دارد و احساسات ما را جریحه دار می‌کند. این قضایایی که در کتاب‌های معتبر شما آمده است و اینکه این مسائل آمده یا بعد از اینکه ابوبکر از دنیا می‌رود

عایشه در خانه پدرش نوحه‌سرای می‌کند. جناب خلیفه می‌آید زن‌ها را بیرون می‌آورد و دانه‌دانه را شلاق می‌زند؛ این‌ها را می‌خواهید چکار کنید. ابن حجر هم به صراحت بیان می‌کند که روایت صحیح است.

ما از آن طرف می‌پرسیم که شما خلفا را معصوم می‌دانید یا نه؟ می‌گویند: ما معصوم نمی‌دانیم. اگر معصوم نمی‌دانید معلوم است کسی که معصوم نباشد از او خلاف صادر می‌شود. ده مورد خلاف شما از او در کتاب‌های خودتان نقل کردید و یک مورد از آن خلاف‌ها هم قضیه حضرت زهرا (سلام الله علیها) است و ما هم معمولاً در فاطمیه تلاش داریم که قضیه مصائب حضرت زهرا را مطرح کنیم و آن کسانی که زمینه‌ساز بودند را کار نداریم.

اگر روایات اهل سنت به صراحت اسم آمده باشد ما می‌گوییم و اگر اسم نیامده باشد ما نمی‌گوییم. این خواهر عزیز ما هم که آمدند به این شکل مطرح کردند ما به هیچ وجه اجازه نمی‌دهیم بحث لعن و غیره مطرح بشود و این کار صددرصد اشتباه است. ما این کار را محکوم می‌کنیم و ائمه (علیهم السلام) لعن علنی را حرام می‌دانند. امام صادق (علیه السلام) کسانی که در مسجد می‌نشستند و لعنی صب و لعن می‌کردند را علناً لعنت کرده است.

خواهر عزیزمان و دیگر عزیزان ما به کتاب «الاعتقادات» مرحوم «شیخ صدوق» صفحه ۱۰۷، کتاب «بحارالانوار» مرحوم «علامه مجلسی» جلد ۷۱ صفحه ۲۱۷ چاپ و جلد ۷۴ صفحه ۲۱۷ چاپ بیروت مراجعه کنید که می‌گوید:

«ان رجلا یجلس فی المسجد و یسب اعداءکم»

بعضی از شیعیان در مسجد می‌نشینند و علناً دشمنانشان را لعن می‌کنند

حضرت فرمود:

«ماله لعنه الله»

این‌ها چه مرضی دارند خداوند این‌ها را لعنت کند

منبع یافت نشد (۱:۵۲:۰۰)

لذا ما از عزیزان شیعه می‌خواهیم مقداری دقت کنند، مطرح کردن حقایق لازم است اما اینکه ما بیاییم سب و لعن و امثال این کارها را انجام بدهیم هم ائمه ما نهی کردند و هم مراجع ما رسماً گفتند که اینطور سب و لعن خلاف شرع و حرام است. اگر ما آمدیم سب و لعن کردیم و چهارتا سنی را در صف داعش قرار دادیم آیا ببینیم حضرت زهرا از این کار خوشحال می‌شود یا ناراحت می‌شود.

الان با این جوی که وهابیت درست کردند مخصوصاً عربستان سعودی که این‌ها واقعاً مرکز شرارت هستند و هرروز یک شرارتی از این‌ها ثابت و صادر می‌شود به دنبال این هستند که اختلاف شیعه و سنی را بیشتر دامن بزنند و بتوانند از این باب بر حکومت ننگین خودشان چند صباح دیگری هم مهر تأیید بزنند.

مجری:

خیلی از شما حضرت استاد و همچنین تمامی دوستان بیننده‌ای که با برنامه زنده «حبل المتین» همراه بودید ممنونم و امیدوارم که در پناه حضرت حق باشید و برنامه ما مورد توجهتان قرار گرفته باشد. استاد وقت بسیار کمی داریم حسن ختام چند دعای شما باشد ان‌شاءالله.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

خدایا تو را قسم می‌دهیم به آبروی محمد و آل محمد فرج مولای ما بقية الله الأعظم نزدیک بگردان و ما را از یاران ویژه آن بزرگوار قرار بده، رفع گرفتاری از جمیع گرفتاران بنما، عزیزانی که در سوریه و عراق و بحرین و یمن و ترکیه و عربستان سعودی و افغانستان و پاکستان و تاجیکستان در هرجایی که گرفتارند به حق حضرت زهرا (سلام الله علیها) رفع گرفتاری از همه آنان بنما، خدایا به حق حضرت زهرا حوائج همه عزیزان حاجتمند

مخصوصاً حوائج ما و تمامی دست اندرکاران شبکه جهانی ولایت و حوائج بینندگان عزیز مخصوصاً ولایت یاوران گرامی بالأخص عزیزانی که وجه جیبشان را برای نشر فرهنگ فاطمی اختصاص دادند را برآورده نما، دعاهاى ما را به اجابت برسان.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

مجری:

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

ممنونم از توجهتان، یا علی مدد، خدا نگهدار.